

دانشکده مهندسی مکانیک

SCHOOL OF MECHANICAL ENGINEERING

خمش

خبرنامه مکانیک شریف

دوره ۲۶، شماره ۲۵، آبان ماه ۹۷

در جست و جوی

مکانیک

از دست رفته!!!



برش (Mech Tech)
ضمیمه علمی خمش

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک (محور)
مدیر مسئول: حمیدرضا فتاحی
سر دبیر: سید محمدحسین قاسمی
دبیران: امیرحسین آقایی، ستاره بیات
ویراستار: سید محمدحسین قاسمی
صفحه آرا: افشین فلاحی
عکاس جلد: مریم عراقی

سر مقاله

سید محمدحسین قاسمی مکانیک ۹۵



اصولا زندگی دانشجویی توأم با ظلم‌های فراوانی است؛ از یافتن کرم در غذای سلف بگیر تا هزینه گرفتن از خوابگاهی‌ها بابت سم‌پاشی‌های دوسرباخت!

عده‌ای که در شریف کم هم نیستند، بی تفاوت بوده و صرفا سرشان را در برف - شما بخوانید کتاب- فرو کرده‌اند تا بدون مشکل اپلای کنند و به آزادی‌ها و عدالت‌های آن سوی مرز می‌اندیشند. آن هم تعاریفی که شاید فقط آواز آن‌ها از دور خوش باشد! لیکن کسانی که در این دوره زیبا از زندگی‌شان (دوران دانشجویی) در پی این دو لغت نرفته‌اند، چگونه می‌توانند طعم آن را بچشند؟

نادیده‌انگاشتن اتفاقات پیرامون خود نتیجه‌ای جز سلب آزادی و عدالت‌مان ندارد. اخیرا گروهی از یک تشکل سیاسی خاص بر آن شده‌اند تا به بهانه‌های علمی، در دانشکده‌مان یک واحد داشته باشند. البته شکی در جریان‌سازی بودن برنامه علمی مذکور (حلقه راه مهندسی) نیست؛ اما لزومی به درج نام «واحد مکانیک» در پوسترها نیست و ذکر «واحد علمی» کفایت می‌کند. قطعاً نباید متن کار درگیر این حاشیه‌ها شود و اگر فقط دغدغه «علمی» داریم، با انتخاب عنوانی که دردسرساز نباشد، می‌توان از بحث‌های بی‌مورد جلوگیری کرد.

بلافاصله پس از جنجال‌های پیش‌آمده، درخواست گفت‌وگویی با محمدصادق محمدیان، دبیر بسیج شریف، کردیم و نزدیک به یک ساعت پیرامون این موضوع در دفتر بسیج به بحث نشستیم و مواضع ایشان و تشکل تحت ریاست‌شان در این باب مشخص شد. حتماً به دلیل مشغله‌هایشان در ایام اربعین، اساس‌نامه‌هایی را که بر آن استناد می‌کردند و به ما نشان می‌دادند، پس از جلسه نفرستادند! این مصاحبه در کانال خمش منتشر شده است.

جادارد تشکر ویژه‌ای بکنم از محمدصادق محمدیان که در بحبوحه کارهای مربوط به اعزام زائرین امام حسین (ع) و موکب‌های اربعین، به صحبت رو در رو با خمش پرداخت. نکته‌ای که شاید حلقه مفقوده منازعات امروزی باشد، همین «گفت‌وگو» است. موردی که می‌تواند کلید بسیاری از مشکلات‌مان باشد.

همکاران این شماره: مهسا گودرزی، نیلوفر صدقی، مریم عراقی، علی یارنندی، پویا عرب، یوسف شاهچراغی، محمد مهدی سخایی، مهدی باقری، شکیب‌احمدی، مهدی دیزانی، پویاکبیرزاده، علی ساعدی، سینا غلامی، تینا حاجی‌نژاد، محمد جواد حاتمی، عرفان اعتصامی، المیرا غضنفری، مهرداد شعاعی، علی پارچه فروش، محمدحسن خواجه‌دهی، حسین خطیری

حال به محتوای این شماره از خمش بپردازیم... مصاحبه‌ای ترتیب داده‌ایم با دکتر حسین نجات، معاون پژوهشی دانشکده مکانیک، که دینامیک مکانیک ارائه می‌دهند. صنفی برای شما از آخرین اقداماتش می‌گوید. در بخش گزارش، کاتالوگ با دست پر در خدمت شماست؛ همچنین در این بخش، گزارش جشن فارغ‌التحصیلان مکانیک شریف نیز آمده است. پرونده ویژه این شماره به بحث داغ حضور بسیج در دانشکده پرداخته‌است که پیشنهاد می‌کنم حتما مطالعه کنید. خمش نشریه‌ای فرهنگی است و بدون بخش فرهنگی چیزی کم دارد. در این قسمت به ادبیات و موسیقی و هنر می‌پردازیم. صفحه آزاد شماره آبان خمش، بحث روز دانشکده، یعنی کمدها، می‌باشد که به اظهارات دانشجویان اختصاص داده شده است. همچنین دو مطلب دیگر از گزارش‌های این شماره با اسکن کدهای موجود در صفحه آخر در کانال تلگرامی خمش قابل دسترسی است.

حال می‌رسیم به شگفتانه ما برای شما!

و آن چیزی نیست جز ضمیمه «برش» که Mech Tech نام دارد و برای شما از آخرین تکنولوژی‌ها و فن‌آوری‌های مرتبط با رشته عزیزمان می‌گوییم. با ما به‌روز باشید....

در این شماره می‌خوانید:

- ۳ مصاحبه (دکتر نجات)
- ۵ پرونده ویژه (بسیج دانشکده)
- ۸ اول قصه یا قصه اول
- ۹ کاتالوگ
- ۱۰ معرفی کتاب (قلب سگی)
- ۱۰ معرفی فیلم (قوی سیاه)
- ۱۱ موسیقی
- ۱۲ صفحه آزاد

+

برش (Mech Tech)

با ما در ارتباط باشید!

@khamesh_mehvar

@mehvargroup

mehvar_group

مصاحبه

گفت و گو با دکتر نجات

مهسا گودرزی مکانیک ۹۶، نیلوفر صدقی مکانیک ۹۶، مریم عراقی مکانیک ۹۵

دکتر نجات پیش‌کناری را به خاطر کلاس‌های پرتعدادش مانند دینامیک مکانیک می‌شناسند؛ به عنوان معاون پژوهش دانشکده نیز یکی از فعال‌ترین اساتید هستند و زنگ پژوهش و فناوری مکانیک اخیراً به همت ایشان احیا شده است. روز یکشنبه ۹۷/۷/۲۸، صبح زود، طبق قرار قبلی، با استاد در دفترشان ملاقات کردیم. این مصاحبه ابتدا با هدف آشنایی با حوزه‌های پژوهشی دکتر تنظیم شده بود؛ اما بعداً قسمت‌های دیگری به آن اضافه شد تا جامع باشد.

ایشان با حوصله و اشتیاق در مورد فعالیت‌هایشان صحبت کردند و درست شبیه کلاس‌های درسشان، بخش‌های علمی را به دقت توضیح دادند. تواضع و صمیمی بودن استاد نیز کار مصاحبه را بسیار راحت می‌کرد. آن‌چه می‌خوانید خلاصه‌ای از گفت‌وگوی ما با ایشان است!



لطفاً در ابتدا از فعالیت‌ها و زمینه‌های کاری‌تان برای ما بگویید. یک بخش از فعالیت‌های من در زمینه دینامیک کنترل است. به طور خلاصه این زمینه به مدل‌سازی دینامیک یک سیستم و سپس کنترل آن سیستم می‌پردازد. برای مثال ماهواره‌ای که بشر می‌سازد و آن را در مدار حول زمین یا دیگر سیارات قرار می‌دهد تا مأموریتی را انجام دهد، آب و هوا را پیش‌بینی کند یا عکس‌برداری کند و ...، برای اینکه ماهواره به درستی عمل کند و ارائه سرویس بدهد باید با دقت خوبی (۰.۱ درجه) جهت آن کنترل شود. بحث دینامیک و کنترل ماهواره یکی از مباحث جذاب برای مهندسين کنترل محسوب می‌شود و یک بخش از فعالیت‌های ما نیز به این موضوع مربوط می‌شود. یک مثال دیگر در زمینه دینامیک کنترل که ما نیز به آن پرداختیم «کوادروتور» است که در مقایسه با هلی‌کوپتر قابلیت مانور بیشتری دارد.

زمینه‌ای دیگر که در آن فعالیت داریم «میکرو-نانو رباتیک» است که زیر مجموعه‌ای از دینامیک کنترل و شاخه‌ای جدیدی از رباتیک و میکاترونیک محسوب می‌شود. هدف ما در این جا طراحی یک سری سامانه است تا مأموریت‌هایی

را در مقیاس‌های کوچک انجام دهند؛ مثلاً ساخت دستگاه نانوپوزیشنر که دارای یک سکو است که با دقت نانومتری حرکت می‌کند؛ یا ساخت یک ربات بسیار کوچک تا یک عمل میکرو-نانومتری را انجام دهد. برای مثال رباتی که به داخل رگ می‌رود تا با استفاده از چرخش، یک گرفتگی را در رگ باز کند؛ یا میکرو رباتی که دارویی را حمل می‌کند تا دارو را در محل یک تومور سرطانی رها کند.

زمینه بعدی، «دینامیک مولکولی» است؛ دینامیک مولکولی چیست؟ فرض کنید می‌خواهید یک سیستم بسیار کوچک را در ابعاد نانومتری مدل کنید. این سیستم به قدری کوچک است که فرض پیوسته بودن محیط دیگر برای آن صدق نمی‌کند؛ یعنی دیگر نمی‌توانیم در نظر بگیریم در هر جای سیستم ماده داریم. در دینامیک مولکولی هر جسمی مجموعه‌ای از اتم‌ها است و وقتی اتم‌ها را به

صورت تک‌تک بررسی می‌کنیم، در نظریه‌گیری بین آن‌ها فنرهای غیرخطی قرار دارند و سپس رفتار آن‌ها را مدل می‌کنیم.

مسائل مختلفی را می‌توان با دینامیک مولکولی حل کرد؛ مثلاً بررسی دینامیک برخورد دو ذره کوچک یا چگونگی عبور یک دارو از غشای سلول و یا یافتن مدهای مختلف ارتعاشی

مولکول‌های کوچک و خیلی مسائل دیگر. دینامیک مولکولی یک موضوع کاملاً بین رشته‌ای است که می‌توانید فعالیت‌های مربوط به آن را در رشته‌های مکانیک، فیزیک و مهندسی عمران و مواد و شیمی هم ببینید.

چه فعالیت‌های غیرصنعتی و پژوهشی و دیگری در برنامه دارید؟

به عنوان کار اجرایی، معاون پژوهشی دانشکده و مدیر گروه میکاترونیک هستم. همچنین ما در دفتر خدمات فناوری، دفتری داریم که تعداد خوبی از دانشجویان ارشد و دکترا در آنجا مشغول به فعالیت هستند. با بعضی از گروه‌های دیگر نیز همکاری خوبی داریم برای مثال در چند سال اخیر همکاری‌های متعددی را به همراه دکتر سالاریه داشتیم.

بعضی اوقات به عنوان فوق برنامه در کلاس‌های اخلاق و امثال آن شرکت می‌کنم. همچنین علاقه‌مندم در مراسم‌هایی که هیئت‌الزها دانشگاه برگزار می‌کند، شرکت کنم.

در تابستان همراه بعضی از اساتید در کلاس‌های بدمینتون و والیبال شرکت می‌کردم؛ اما با شروع ترم جدید کمی از آن فاصله گرفتم!



شما یکی از فعال ترین اساتید در کارها و فعالیت های دانشجویی هستید. نظر تان درباره ی فعالیت های دانشجویی چیست و خودتان وقتی دانشجو بودید در چه زمینه هایی از آن فعالیت می کردید؟

فکر می کنم زندگی دانشجویی دو جنبه دارد: یکی بخش آکادمیک و یکی دیگر زندگی اجتماعی؛ یعنی تعامل کردن، کار گروهی انجام دادن، و برای دومی فعالیت های فوق برنامه خیلی مهم است. برای اینکه هم نیاز های اجتماعی آدم را برطرف کند و در واقع آدم ها را تربیت کند، هم اگر آدم بخواهد کار بزرگی انجام دهد، نیازمند به کار کردن با آدم های مختلف است؛ مثلاً اگر شما بخواهید پروژه ای حتی آکادمیک و علمی بگیرید، اگر ارتباطات تان قوی باشد، هم در گرفتن آن و هم در انجام دادن اش موفق تر خواهید بود؛ البته باید یک مصالحه ای در این میان باشد، یعنی شما باید به

اندازه کافی برای تحصیل تان وقت بگذارید و برای وقت اضافی برنامه ریزی کنید. من هم در دوران کارشناسی در اردوهای محور و ... شرکت می کردم؛ هم چنین در مراسم های مذهبی و فعالیت های ورزشی؛ اخیراً در فوتسال «استاد-دانشجو» هم بازی می کردم ولی بازی بچه ها را خراب می کردم! [خنده]

در مورد دانشجوی هایی که برای فعالیت های دانشجویی به شما مراجعه می کنند چه نظری دارید؟

من از این که بچه ها فعالیت می کنند و از این مومنتوم خیلی خوشحال می شوم، از رخوت و یک جا ایستادن خوشحال نمی شوم. البته بهتر است این مومنتوم جهت درستی داشته باشد و انرژی بچه ها در راه مثبتی صرف شود. به نظر من این مومنتوم الآن وضعیت خوبی دارد ولی می تواند تقویت شود و مسیرهای بهتری در آینده پیدا کند و لازم اش تدوam آن، تلاش و انرژی است.

در خانواده، سعی می کنم روزی حداقل نیم ساعت با دخترم وقت بگذرانم. پنجشنبه و جمعه هم در کنار خانواده هستم؛ مگر این که کاری ضروری و فوری باشد که مجبور به انجام آن باشم. همچنین چند ماهی است که همراه خانواده صبح ها به پارک می روم و صبحانه را آنجا می خورم و بعد صبحانه هم می دوم. یکی از فعالیت های مورد علاقه ام نیز ماهی گیری است.

به نظر تان چرا کلاس های تان، مانند دینامیک، تا این اندازه پرطرفدار و شلوغ است؟

فکر می کنم بچه ها لطف دارند و من کار خاصی نمی کنم؛ ولی تجربه ی من در این چندسال باعث شده جواری به بچه ها

آموزش بدهم که حس می کنم درس را دنبال می کنند، و مثلاً بعد از گفتن یک فرمول سعی می کنم مثال زیادی از آن حل کنم. کارهای جذاب زیادی مانند برگزاری یک آزمایش

سر کلاس یا نشان دادن عملکرد یک سیستم دینامیکی از طریق شبیه سازی در نرم افزار متلب.

سعی می کنید استاد سخت گیری باشید؟

ببینید، چیزی که برای من مهم است یادگیری بچه ها است نه سخت گیری؛ بنابراین ممکن است جاهایی به نظر بیاید سخت گیری می کنم؛ ولی اولویت سخت گرفتن نیست، یادگیری است.

شما خودتان هم اساتیدی داشتید که در شما این علاقه و انگیزه را ایجاد کنند؟ و یا از اساتید خودتان کسی بود که شما سعی کنید به جای او باشید؟

بله ما در طول دوره ی تحصیل اساتید خوب زیادی داشتیم. اگر بخواهم نام ببرم بعضی ها را ممکن است از قلم بیندازم! [خنده] ولی برخی از اساتید بودند که همیشه نحوه ی تدریس شان برای من الگو بوده است؛ مثل آقای دکتر دورعلی.

پرونده ویژه

بسپج دانشکده*

علی یارندی مکانیک ۹۴
پویا عرب مکانیک ۹۴



*واحدی به نام «بسپج دانشکده» رسمیت نداشته و استفاده از

این واژه صرفاً جنبه بررسی و شفافیت دارد

همه چیز «ظاهراً» از یک پوستر با لوگوی بسپج و متن «واحد

دانشکده مکانیک» شروع شد. معلوم نیست، شاید با این خمش

پایان یابد، شاید با یک رقابت دوستانه و فزاینده، شاید

هم با لغو شدن جشن‌های معمول دانشکده و ...

دانشکده مهندسی مکانیک همواره به عنوان

دومین دانشکده‌ی پر دانشجوی دانشگاه، یکی

از منابع مهم نیروی انسانی در فعالیت‌های

دانشجویی بوده است. مکانیکی‌هایی که

در یاریگران، گروه کوه، کانون شعروادب،

هیئت، بسپج، انجمن اسلامی و سایر گروه‌ها

بوده‌اند و هستند. اما شاید نسبت به دانشکده‌ی

خودمان کم توجه‌تر بوده‌ایم. روند رشد محور، صنفی

و جشنواره در سال‌های اخیر، توجه‌های بسیاری را

به سمت دانشکده جلب کرده است و به تبع آن، فرصت‌های

جدیدی را برای فعالیت فراهم نموده. در این میان، بسپج تشکلی

است که چند سالی است روی دانشکده‌ها دست گذاشته و به

فعالیت مستقیم یا غیرمستقیم پیرامون آن‌ها می‌پردازد. برگزاری

حلقه‌های راه مهندسی با محتوایی بعضاً نامربوط

به راه مهندسی و حتی گاهی دور از

اهداف والای تبیین شده، و

انتشار نشریاتی با دیدگاه

بسپجی با نام رویان،

جزو جدی‌ترین

کارهای بسپج

در دانشکده‌ها

محسوب می‌شود.

اما چه احتیاجی

به حضور بسپج داریم

وقتی گروه‌های موجود در

دانشکده، با همان اهداف بسپج

دانشکده در حال فعالیت هستند. بسیجیان بنا به دلایل خودشان که اغلب به اختلاط جنسیتی مربوط می‌شود، نمی‌توانند در کنار جو دانشجویی موجود کار کنند، آن‌ها اهدافی دارند که چهارچوب‌های موجود در دانشکده محدودشان می‌کند، آنان به واسطه‌ی بسپج کل، نفوذ و قدرتی دارند که کارهای غیرممکن را ممکن می‌سازند و احتمالاً آن‌ها عقایدی دارند که با عقاید موجود همخوانی ندارد. اما مگر ذات جامعه، متشکل از افراد گوناگون با عقاید مختلف و لازمه‌ی حضور در آن احترام به همه‌ی عقاید و تلاش برای تعامل با آن‌ها نیست؟ آیا حقیقتاً راه حل، تشکیل یک واحد جداست؟

با شروع بحث‌ها بر سر بسپج دانشکده، جو موجود بین دانشجویان تا حدی متشنج شد. فضایی که بعید نیست در آینده و با حضور بسپج در دانشکده تداوم یابد. دقیقاً همان فضای

حاکم بر دانشگاه، انجمنی یا بسپجی، و همان

فضای مملکتی، اصلاح طلب یا اصول‌گرا.

برچسب زدن به یکدیگر و دسته بندی

عقیدتی و سیاسی شاید در ظاهر عیان

نباشد، اما در ناخودآگاه همه شکل

خواهد گرفت. اینکه این جشن را

بسپج برگزار می‌کند یا جای دیگر، فردی

که در گروه حرف زد بسپجی بود یا نه، من

در اینجا موضع بسپج را بگیرم یا ... در حالی

که هدف محور، صنفی، جشنواره و نامه، اهدافی

است به دور از هرگونه جهت‌گیری سیاسی و عقیدتی.

بسپج حال حاضر و بسیجیان دانشکده، با سودای کار علمی

به جلو آمده‌اند و با هدف پیشرفت علمی، اما آیا پس از قدرت

گرفتن، به فعالیت علمی بسنده خواهد کرد؟ به گفته بسیاری از

فعالین فرهنگی در دانشکده‌های مختلف، بسپج جزو

جدی‌ترین منتقدین انجمن‌های علمی

در خصوص انجام فعالیت‌های

فرهنگی است، از دید

آن‌ها، برگزاری جشن یا

هر فعالیت غیرعلمی

توسط انجمن‌های

علمی دانشجویی

نادرست است. در

نتیجه انتظار اجرای

تمامی فعالیت‌های

فرهنگی دانشکده توسط

بسپج دانشکده، انتظار دوری

خواهد بود.

نظر من دانشجوی ۱:

« به نظر من بسپج دانشکده و

محور اگر به هم کمک بکنن و مخالف

هم نباشن بسیار با سرعت بیشتری به اهداف

می‌رسن. لازم به ذکره بسپج دانشکده عمدتاً

فعالیت‌های غیر سیاسی و فعالیت‌های علمی انجام

میده و بنابراین حتی اگر کسی مخالف تفکر سیاسی بسپج

باشد در فضای عقلی نباید مشکلی با بسپج دانشکده‌ای

داشته باشه. نکته مهم اینکه بسپج به خاطر نظم

چارنی که داره بسیار مکمل خوبی واسه

محور می‌تونه بشه و بنابراین موازی

کاری نخواهد بود. »

نظر من دانشجوی ۲:

« سیاست جدید مسئولان بسپج دانشجویی در خصوص

تأسیس واحدهایی تحت عنوان بسپج دانشکده‌ای با توجه به فضای فعلی

سیاسی و دانشجویی کشور در راستای به ثمر رساندن اهداف بسپج از طرف ایشان

بسیار هوشمندانه است. این سیاست برای مسئولان این تشکل ایجاب می‌کند که زمانی

که سیاست‌ها و اندیشه‌های آنان در فضای دانشگاه و در رقابت با تفکرهای دیگر مانند تفکرات

دانشجویان تحول خواه (فعالان انجمن اسلامی و یا مثلاً نشریاتی مانند داد) بی‌طرفدار است، به

سطح دانشکده‌ها بیایند و با انجمن‌های علمی رقابت کرده و کار را بر ایشان سخت کنند. با نگاه به

سوابق اجرایی دوستانی که به این صورت فکر می‌کنند می‌توان دریافت که این موضوع بیشتر از آن

که از نظر سیاسی مهم و حائز اهمیت باشد، بر فضای فعالیت انجمن‌های علمی تأثیر منفی بیشتری

خواهد داشت؛ پس به نظر می‌رسد که بهترین راه برای تغییر این فضا و جلوگیری از انجام

چنین دخالت‌هایی در فضای انجمن‌های علمی، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی دانشجویان

است. نشریات دانشجویی و انجمن‌های علمی در این زمینه خواهند توانست نقش

اساسی‌ای را ایفا کنند و جای خوشحالی دارد که خمش، نشریه‌ی

انجمن علمی محور در این باره پیش قدم شده است. »

۱- مواد ۷ الی ۹ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل، تقویت و توسعه بسپج دانشجویی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی



یکی از موضوعات مورد بحث در خصوص بسیج دانشکده، قانونی بودن آن است. بررسی قوانین و تفسیر آن‌ها موضوعی است که از حوصله این مطلب خارج است و نیاز به ساعت‌ها بررسی آیین‌نامه‌ها، مصوبات و صحبت با مسئولین است. طبق ماده ۵ «آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل، تقویت و توسعه بسیج دانشجویی» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، «دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی موظفند علاوه بر حمایت‌های معنوی و قانونی، امکانات مورد نیاز بسیج دانشجویی از قبیل مکان و ... را در حد مقدرات و متناسب با توان دانشگاه‌ها تأمین نمایند». تفسیر بسیج از این ماده مشخص است. شاید دانشکده‌ی کنونی جایی برای بسیج نداشته باشد، اما آیا در شلوغی‌های انتقال به دانشکده جدید، بسیج ساکت خواهد ماند؟ طبق قوانین، «بسیج دانشکده» قانونی نیست و صرفاً بسیج کل می‌تواند برنامه‌هایی را مرتبط با دانشکده‌ها انجام دهد. البته، نه با همان شرایط فعالین دانشکده‌ها. بسیج، نیازی به بروکراسی‌های اداری ندارد و بسیج دغدغه‌ی مالی ندارد، چرا که هم از محل اعتبارات بودجه سالانه وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و هم از حمایت مالی دانشگاه بهره می‌برد. این، دقیقاً مشکل کسانی است که ادعای «یک جمع دانشجویی مخلص» را نمی‌پذیرند، زیرا فضای کاری این جمع دانشجویی، مثل همگان نیست.

بسیج تماماً انتصاب می‌شود و انتخابات و مقبولیت از دید آن‌ها اهمیتی ندارند. بسیج ترسی از انتقاد ندارد؛ هر چه آن‌ها صلاح بدانند برگزار می‌شود و اگر دوره‌ای هم ضعیف بود، هیچ نگرانی‌ای از آینده ندارند؛ چرا که جایگاهشان استوار باقی می‌ماند.

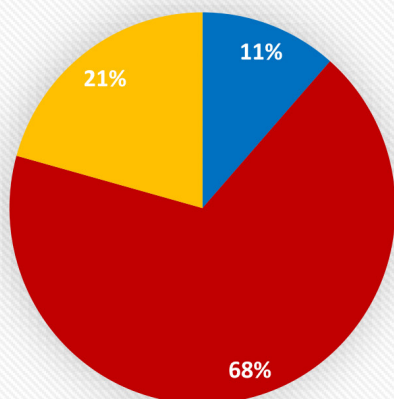
این‌ها خود دلیل دیگری بر نبود شرایط برابر با گروه‌های فعال دانشکده (محور، صنفی و...) است که همگی با رای مستقیم دانشجویان انتخاب می‌شوند و فعالیت‌هایشان نزد دانشجویان شفاف است.

نظر من دانشجوی ۳:
«به نظرم بسیج دانشکده‌ای به همین معنی‌ای که الان تو دانشگاه هست تا حدی موازی کاری با بقیه‌ی تشکل‌های ولی با توجه به وضعیت الان میشه از ظرفیت بسیج نوی کارها استفاده کرد و کارها رو با کیفیت تر انجام داد.»

اصلاً یک دانشکده چقدر امکانات و ظرفیت دارد که همزمان حداقل ۳ گروه فعال بخواهند در آن فعالیت کنند؟ ظرفیت، تنها بودجه و دفتر و سالن نیست. ظرفیت یعنی وقت دانشجو، یعنی دو برنامه همزمان، یعنی ذهن دانشجو، یعنی تعداد فعالین دانشجویی، یعنی انگیزه و امید. یعنی محور، پس از طی مراحل برگزاری یک دوره آموزشی با کیفیت در سایت دانشکده، متوجه ثبت‌نام اندک دوره‌اش شود چرا که همزمان، بسیج دانشکده اقدام به برگزاری دوره آموزشی، بدون طی کردن روندهای اداری، بدون هزینه و بدون ارائه پایین‌ترین خدمات، کرده است.

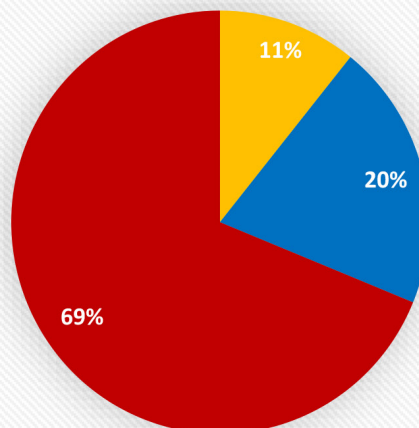
هدف از نگارش این متن، نه تخریب، نه دروغ و سیاه‌نمایی و نه دامن زدن به آتش دودستگی‌ای است که مدتی است در دانشکده شعله‌ور شده. در این میان، آلوده به توهین و تهمت و تندروی نشویم. بسیج به هیچ عنوان مساوی دانشجوی مذهبی نیست. شاید فضای کنونی پذیرای چنین اتفاقاتی باشد یا نباشد، اما آیا سیاست‌های بسیج و دانشجویان فعال بسیجی در سال‌های آینده ثابت می‌مانند؟ مگر نه اینکه تشکیل هر گروهی - قانونی یا غیرقانونی - بر اساس ارزش‌ها، اهداف و وظایفی مشخص است؟ خواسته اکثریت دانشجویان دانشکده نیز همین آگاه‌سازی است و نه بیشتر. حرف محور و گروه‌های دانشجویی دانشکده از ابتدا مشخص بود، محیطی برای فعالیت و تعامل همه‌ی دانشجویان فارغ از هر نوع طرز تفکر و عقیده سیاسی یا مذهبی. واقعاً راه‌حل چیست؟ بسیج دانشکده، دارویی است که اثرات جانبی‌اش نامشخص است. شاید دردی دوا کند، اما با این روند، اطمینان داریم بهترین درمان است؟ این رقابت و هم‌افزایی شاید در سال‌های ابتدایی - در خوش‌بینانه‌ترین حالت و با نادیده گرفتن اختلافات به وجود آمده در بدنه‌ی دانشجویی - رشد دانشکده را به همراه بیاورد، اما در آینده چه؟

به نظر شما، آیا بحث‌ها و تنش‌های اخیر در خصوص مسئله «بسیج دانشکده‌ای»، بر فضای دانشکده و تعاملات بین دانشجویان تأثیرگذار بوده است؟



بله، تأثیر مثبت داشته
بله، تأثیر منفی داشته
خیر

آیا با تشکیل بسیج دانشجویی به عنوان یک واحد مستقل، موافقید؟



خیر بله اهمیت نمی‌دهم

نتایج نظرسنجی:

مجموعاً ۱۰۰ دانشجو در نظرسنجی شرکت نمودند که تقریباً نیمی از آن‌ها ورودی‌های ۹۴ و ۹۵ می‌باشند. در پاسخ به سؤال به نظر شما، «بسیج دانشکده‌ای» چه تأثیری روی فضای دانشکده خواهد داشت؟ (۱ به نشانه تأثیر بسیار منفی و ۵ به نشانه تأثیر بسیار مثبت است)، میانگین نظرات، ۱٫۹۵ بود که یعنی، دانشجویان حضور بسیج در دانشکده را با همراه با آثار منفی می‌بینند.

در پاسخ به سؤال آیا با فعالیت در گروه‌های دانشجویی موجود در دانشکده، مشکل دارید؟ (۱ به معنی راحت بودن فعالیت در فضای معمول، و ۵ به معنی وجود مشکلات برای فعالیت در فضای معمول است)، میانگین نظرات ۲٫۱۹ بود که به عدد ۲٫۵ نزدیک است و یعنی تقریباً بیش از نیمی از دانشجویان با فعالیت در گروه‌های دانشجویی موجود در دانشکده، مشکلی ندارند.

نظر من دانشجوی ۴:

«مادامی که انحصار خیلی از فعالیت‌های دانشجویی اجرایی در دانشگاه در دست بسیج یا ارگان‌های مشابه اون باشه یا تحت نفوذ بسیج قرار بگیره همیشه انتظار داشت که این فضای رخوت و رغبت کم اکثر بچه‌های دانشگاه برای انجام فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی از بین بره... چرا که در حال حاضر به خودی خود بسیاری از بچه‌های معمولی و غیر بسیجی بر خلاف بچه‌های بسیجی فعالیت دانشجویی و فوق برنامه رو به مانند یک آرمان برای خودشون نمی‌بینن و انگیزه خاصی برای فعالیت ندارند... این نفوذ، سیطره بسیج بر قسمت‌های مختلف دانشگاه که روز به روز بیشتر هم میشه رو تشدید می‌کنه تا زمانی که به جایی خواهیم رسید که اکثر نهاد‌های دانشجویی دانشگاه به دست رفقای بسیجی باشه و باقی بچه‌های عادی بدون هیچ انگیزه‌ای برای کار دانشجویی تو فضای رخوت انگیز حاکم، سرگرم بحث معدل و اپلای و امتحان و امثالهم باشن.... به نظر من بحث اخیر بین بچه‌های دانشکده در مورد بسیج دانشکده بسیار امیدوار کننده بود که شاید یک عزمی در بچه‌ها شکل گرفته که این فضای رخوت رو از بین ببرن...»

نظر من دانشجوی ۵:

«تا الان محور بد عمل نکرده و خیلی خوب بوده و به گروه زمانی تشکیل میشه که نیازی حس بشه و خب الان نیازی حس نمیشه و تلف کردن بودجه و مکان و هر چیز دیگه مرتبط هستش»

اول قصه یا قصه اول

مریم عراقی مکانیک ۹۵



گفتند

این جزئی از ساختار دانشکده شد که باید دفتر فوق برنامه‌ای باشد. و با وجود اینکه ابتدا مخالفت می‌شد، خود اساتید، مشوق و راهنمای بچه‌ها در امور فوق برنامه شدند. چون ما آن‌ها را با خودمان همراه کرده بودیم و آن‌ها فهمیده بودند که آن چیزی را که می‌خواهند به

بچه‌ها منتقل کنند، خارج از قالب کلاس و تخته نیز می‌تواند باشد. آن زمان دکتر فرهانی، مقداری و وثوقی از اساتید جوانی بودند که با توجه به دیده‌هایشان از دانشگاه‌های خارجی و کارهایی که دانشجویها آن‌جا انجام می‌دهند، ما را به انجام این کارها بسیار تشویق می‌کردند. و در مراسم‌هایی که داشتیم، خود دانشکده و اساتید پیش‌قدم می‌شدند. و این دانشکده‌های مختلف هم با هم تعامل پیدا کردند و از دل این‌ها کنفرانس‌های بزرگی در آمد. ما برای رسیدن به هدفمان باید سدی را در دانشگاه می‌شکستیم. ما (و دیگر گروه‌های اندک دانشجویی مانند مجله‌ی عمران) آغازکننده‌ی کارهای فوق برنامه در دانشگاه بودیم و بعد از آن دانشگاه به این فکر افتاد که مدیریت امور فوق برنامه ایجاد کند و بودجه‌ی جداگانه‌ای برای آن در نظر بگیرد.

سپس مهندس از شکستن فضای موجود در آن زمان گفت: ما تلاش کردیم بازدیدها را جا بیندازیم. در ابتدا بازدیدهای ما را آقای محبت، معاون آموزش وزارت صنایع برای ما هماهنگ می‌کردند و بازدیدها ۱ روزه بودند. وقتی ما می‌خواستیم بازدید از کارخانه‌ی ایران خودرو ببریم، اساتید خیلی تمایل نشان دادند که همراه دانشجویان بیایند. بعد بازدیدهای یک هفته‌ای راه‌انداختیم که در آن درخواست اسکان و بازدید از لیستی از کارخانه‌ها در یک شهر یا منطقه را می‌دادیم و آن‌ها، معاونت آموزشی وزارت صنایع، هماهنگی‌های لازم را می‌کردند و اسکان به ما می‌دادند. ابتدا دانشجویان کمتری از بازدیدهای ما استقبال می‌کردند؛ اما بعدها این تعداد خیلی بیشتر شد و خانم‌ها هم شرکت می‌کردند! گزارش بازدیدها را هم ما به board انجمن می‌چسباندیم و بچه‌ها می‌آمدند و می‌خواندند. یکی از خانم‌ها هم بود که خط خوشی داشت و هر بازدیدی را مانند یک record کامل ثبت می‌کرد و مثلاً ما گزارش‌های او را به برد می‌چسباندیم.

در طول این جلسه، مدام به این فکر می‌کردم که چه چیزی باعث شده که این انسان موفق در دوره‌ی دانشجویی‌اش شاید به هیچ چیز بیش از فعالیت‌های فوق برنامه نیندیشد و اکنون از این بابت اینقدر راضی باشد؟

علاوه بر دانش فنی، دانش مدیریتی و ارتباط با سایرین و این کارها واقعاً به بچه‌ها کمک می‌کرد... و هنوز بچه‌هایی که با ما کار می‌کردند، می‌گویند: این فعالیت‌ها باعث شد ما احساس کنیم می‌توانیم «مسئولیت» ای را بپذیریم.





کاتالوگ دقیقاً چیه و قراره چه اهدافی رو طی کنه؟

کاتالوگ سلسله جلسه‌هاییه که هدفش آشنا شدن بیشتر بچه‌ها با رشته مکانیک و فیلدهای مختلف این رشته‌ست. افرادی که به این جلسات دعوت میشن، معمولاً از دانشجویهای ارشد یا دکترای دانشکده هستن که با اساتید بزرگی کار کردن و توی حوزه خودشون بسیار موفق بودن. خیلی از بچه‌ها، به ویژه توی ترم‌های اول، آشنایی زیادی با رشته شون ندارن و نمیدونن یک مهندس مکانیک، دقیقاً چه کارهایی میتونه انجام بده و توی چه حوزه‌هایی فعالیت کنه. یکی از اهداف کاتالوگ اینه که دید درستی درباره رشته و گرایش‌های مختلفش به دانشجو‌ها بده و نشون بده دامنه فعالیت‌های مهندسی مکانیک تا چه حد گسترده‌ست.

کسایی هم هستن که با فیلدهای مختلف آشنایی دارن و مسیرشون رو انتخاب کردن اما نمیدونن از کجا باید شروع کنن، با چه اساتیدی کار کنن، چطور با افراد فعال در اون حوزه ارتباط برقرار کنن و... برنامه کاتالوگ برای این افراد اینه که کسایی که به حوزه خاصی علاقه دارن بتونن با هم آشنا بشن و با دانشجویها و اساتیدی که توی اون شاخه فعالیت می‌کنن، راحت تر ارتباط برقرار کنن.

اسم کاتالوگ از کجا اومده؟

کاتالوگ‌ها، یه فهرست از چیزایی از یه نوع خاص هستن. کاتالوگ‌ها راهنماهای خوبی هستن چون اطلاعات نسبتاً کاملی درباره هر چیزی که توی فهرست شون هست، ارائه میدن. ماهیت این جلسات هم تا حدی شبیه به یه کاتالوگه. ما فهرستی از گرایش‌های مختلف رشته مون داریم و تلاش می‌کنیم طی جلسات مختلف، درباره هر فیلد اطلاعات کاملی به مخاطبان مون بدیم.

ایده چنین کاری از کجا شکل گرفته؟

ایده این جلسات از این جا شکل گرفت که می‌دیدیم بعضی از دانشجویها، حتی تا اواسط دوران کارشناسی، دید درستی درباره فیلدهای مختلف رشته مکانیک ندارند. همین باعث میشه که برای انتخاب موضوع پروژه کارشناسی و انتخاب مسیرشون برای ارشد و دکتری دچار مشکل بشن. یا اینکه بعضی از دانشجویها نمیدونن برای اینکه توی حوزه مورد علاقه شون کار کنن، با چه استادهایی باید ارتباط برقرار کنن و چه درس‌هایی رو پاس کنن. معمولاً بچه‌ها برای این موارد با دانشجویهای ارشد و دکتری مشورت می‌کنن. ما می‌خواستیم این روند تعامل دانشجویها رو با افرادی که مشغول فعالیت در فیلدهای مختلف مکانیک هستن، سریع تر و راحت تر کنیم.

تا الان چه جلساتی تحت عنوان چه گرایش‌هایی برگزار شده؟
تا حالا دو تا جلسه با موضوع معرفی مکانیک سیالات برگزار شده

و تا آخر این ترم ان شاءالله دو یا سه گرایش دیگه رو هم پوشش خواهیم داد.

آیا کاتالوگ اون طور که برگزار کننده‌هاش انتظار داشتن شروع شده یا هنوز مشکلاتی داره؟

از نظر تیم اجرایی، بچه‌ها فوق العاده با انگیزه هستن و همه برای بهتر برگزار شدن جلسات تلاش می‌کنن. ولی قطعاً توی شروع هر کاری یه سری مشکلات هست. چیزی که الان هست اینه که کاتالوگ هنوز به اندازه کافی در سطح دانشکده شناخته نشده و استقبال از جلسات هنوز به اون اندازه‌ای که فکر می‌کردیم، خوب نبوده.

تا الان چه افرادی مدعو برنامه‌های کاتالوگ بودن؟

مدعوهای جلسه اول سیالات، آقای اسماعیل محمدیان بودن که در زمینه شبیه سازی ریزگردها و دینامیک آتش فعالیت می‌کنن، و آقای حمیدرضا ساوالان پور که روی آتش سوزی در تونل‌ها کار می‌کنن.

جلسه دوم هم در خدمت خانم مولود صالحی و آقای محمدرضا نیک منشی بودیم که خانم صالحی روی ماده فعال بین سطحی کار می‌کنن و زمینه فعالیت آقای نیک منشی، کاربرد مهندسی مکانیک در پزشکی تحلیلی هست.



شرکت کنندگان از کیفیت جلسات راضی بودن؟

به طور غیر رسمی از کسانی که توی جلسات شرکت کردن، نظر سنجی شده و تا حد خوبی از جلسات رضایت داشتن. البته قطعاً اشتباهاتی توی برگزاری جلسات بوده که در تلاشیم رفعشون کنیم.

چه ایده آل‌هایی برای کاتالوگ در نظر گرفته شده؟

ایده آل ما اینه که بعد از جلساتی که درباره هر گرایش داریم، افراد علاقه مند، با همدیگه آشنا شده باشن و تیم‌های با انگیزه‌ای تشکیل بدن و روی ایده‌هاشون کار کنن. علاوه بر این، بتونیم ارتباط دانشجو‌ها با اساتید رو، برای فعالیت‌های علمی، راحت تر کنیم.

این جلسات برای دانشجویان چه دوره‌ای مفیده؟

این جلسه‌ها، در درجه اول برای دانشجویهای مقطع کارشناسی که هنوز گرایش شون رو به طور قطعی انتخاب نکردن. اما دانشجویهای مقاطع بالاتر هم اگر شرکت کنن، اطلاعات خوبی درباره فعالیت‌های مختلف فیلدهشون به دست میارن.

معرفی کتاب

مهدی دیزانی مکانیک ۹۵

قلب سگی

نویسنده: میخائیل بولگاکوف



اگر صحبت از برترین نویسندگان معاصر روس شود، حتماً یکی از معروفترین آنها، میخائیل بولگاکوف خواهد بود. اگرچه به سختی می‌توان وی را هم‌تراز شخصی چون فئودور داستایوسکی دانست؛ اما بدون شک نمی‌توان از هنر وی و تسلطش بر نوشتن چشم‌پوشی کرد. احتمالاً نام کتاب «مرشد و مارگاریتا» برایتان آشنا باشد. یکی از بی‌نظیرترین رمان‌های ادبیات روس و حتی جهان، نوشته‌ای بی‌نظیر که خواندن آن برای هیچ‌کس خالی از لطف نیست؛ اما از این شاهکار که بگذریم، بولگاکوف در نمایش‌نامه و داستان کوتاه نیز از قدرت بالایی برخوردار است. تعدد این آثار و موفقیت درصد زیادی از آنها مؤید این توانایی است. وی در زمان حیات خود، آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفت؛ اما چند دهه پس از مرگش، شهرت جهانی یافت و داستان‌ها و نمایش‌نامه‌هایش در بسیاری از کشورهای برده‌ی سینما و روی صحنه‌ی تئاتر رفت.

یکی از رمان‌های جذاب و در عین حال کم‌حجم او، «قلب سگی» می‌باشد. رمانی در نكوهش حزب کمونیست و تأثیرات اسفبار آن در عموم جامعه و مخصوصاً قشر آسیب‌پذیر فکری، که به زیبایی ادبی هر چه تمام‌تر به رشته‌ی تحریر درآمده است. خلاصه این که اگر از این نویسنده‌ی بزرگ اسمی به میان آمده است و برای شناخت او کنج‌کاو هستید، نیازی به خواندن رمان حجیم و سنگین «مرشد و مارگاریتا» نیست؛ «قلب سگی» به قدر کافی می‌تواند راهگشا باشد.

معرفی فیلم

Black Swan

پویا کبیرزاده مکانیک ۹۵



قوی سیاه فیلمی روان‌شناختی محصول ۲۰۱۰ آمریکابه کارگردانی «دارن آرونوفسکی» و نقش‌آفرینی «ناتالی پورتمن» است. این فیلم در سال ۲۰۱۱ برنده جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن شد. ناتالی پورتمن برای بازی در این فیلم بیش از یک سال به‌طور شبانه‌روزی به تمرین باله پرداخته است. «میلا کنیس» دیگر بازیگر زن فیلم نیز آموزش و تمرین‌های دشوار باله را پشت سر گذاشت. قوی سیاه روایتگر ماجرای زندگی نینا، (ناتالی پورتمن) دختری است که همه دوران کودکی و نوجوانی خود را به تمرین ممتد رقص باله گذرانیده است. نینا به عنوان یک بالرین حرفه‌ای و ستاره یک شرکت معتبر، در تلاش برای به‌دست آوردن نقش اول باله معروف دریاچه قو است. اما مدیر شرکت و طراح رقص‌های آن که در مورد توانایی‌های نینا برای بازی هم‌زمان در دو نقش قوی سفید معصوم و قوی سیاه اغواگر و شیطان مطمئن نیست، قابلیت‌های او را زیر سؤال می‌برد.



شخصیت «نینا سیرز» دچار نوعی وسواس شدید برای تکامل در حرفه خود در حد یک بیمار روانی است. او دارای یک اراده با میل قوی است؛ اما توانایی انعطاف‌پذیری و رهایی از هدف خود را ندارد. شخصیت «لیلی»، رقیب نینا، فردی است که متقابلاً بیشتر در پی آسودگی و صفای زندگی است تا تکامل‌گرایی. «مادر نینا»، مادری است بیش از حد مراقب، که آرزو دارد دخترش به موفقیتی دست یابد که خودش به آن نرسیده است.

نینا نقش قوی سفید را به خوبی بلد است اما نقش قوی سیاه منفی را نمی‌تواند ادا کند. این مانع رفته رفته تبدیل به سوهان روحش شده تا جایی که با خطر از دست دادن تعادل روحی خود مواجه می‌شود. او برای مقابله با سقوط و جایگزین شدن بالیلی در دریاچه ی قو دست به هر کاری می‌زند، از تمرینات شدید شبانه‌روزی گرفته تا



موسیقی

دستگاه‌ها و آوازهای موسیقی ایرانی

علی ساعدی مکانیک ۹۵



عبارت‌اند از:

آواز دشتی: (دستگاه شور) سوز و گداز - گریه و مویه
آواز ابو عطا: (دستگاه شور) گله و شکایت
آواز بیات ترک: (دستگاه شور) تعلیم - شادی درون
آواز افشاری: (دستگاه شور) افسوس و حسرت - هجران از معشوق

آواز اصفهان: (دستگاه همایون) اوج احساس گوشه که گاهی به آن مقام (در شباهت با موسیقی عربی و ترکی) نیز گفته می‌شود، از اساسی‌ترین مؤلفه‌های هویت موسیقی ایرانی است. گوشه‌ها قطعه‌های ثبت شده از موسیقی سنتی ایرانی هستند که در طول زمان توسط استادان موسیقی ایرانی گردآوری شده و به هنرجویان آموخته می‌شود. هر دستگاه موسیقی سنتی دارای تعدادی گوشه است که توسط استادان مختلف به شکل‌های متفاوت ولی بسیار مشابه ثبت شده‌اند. منبع جمع‌آوری گوشه‌ها، عموماً قطعات نواخته شده در میان نوازنده‌های بومی نواحی مختلف ایران است.

در آخر چندین قطعه از اساتید موسیقی ایرانی تقدیم حضورتان می‌گردد:

ای امید دل من کجایی از سالار عقلی: دستگاه شور
آلبوم دستان از استاد شجریان: دستگاه چهارگاه
آلبوم بیداد از استاد شجریان و تصنیف تو ای پری کجایی از حسین قوامی: دستگاه همایون تصنیف مرغ سحر و ز من نگارم از استاد شجریان: دستگاه ماهور
تصنیف رسوای زمانه از علیرضا قربانی: سه‌گاه
آلبوم ساز نو آواز نو از شهرام ناظری: راست پنجگاه
تصنیف کاروان از استاد غلامحسین بنان: آواز دشتی

مجموعه ردیف موسیقی ایرانی از لحاظ گام‌ها و شور و حال انعکاس‌دهنده به شنونده به ۷ دستگاه و ۵ آواز تقسیم می‌شود. هر دستگاه موسیقی ایرانی، توالی‌ای از پرده‌های مختلف موسیقی ایرانی است که انتخاب آن توالی حس و شور خاصی را به شنونده انتقال می‌دهد. هر دستگاه از تعداد بسیاری گوشه موسیقی تشکیل شده است و معمولاً بدین شیوه ارائه می‌شود که از درآمد دستگاه آغاز می‌کنند، به گوشه اوج یا مخالف دستگاه در میانه ارائه کار می‌رسند، سپس با فرود به گوشه‌های پایانی و ارائه تصنیف و سپس رنگی اجرای خود را به پایان می‌رسانند. موسیقی سنتی ایران شامل هفت دستگاه و پنج آواز است. هفت دستگاه ردیف

موسیقی سنتی ایرانی و مضامین آنها عبارت‌اند از:

دستگاه شور: آگاهی - درک - تفکر و اندیشه

دستگاه سه‌گاه: بزم و شادمانی - شور و شوق

دستگاه چهارگاه: ستیز و جنگ - مقاومت و پیروزی

دستگاه همایون: متانت - سربلندی - نصیحت و پذیرش

دستگاه ماهور: رویا پردازی - پرش از قله شادی - آرزو

دستگاه نوا: رازداری - حکایت

دستگاه راست پنج‌گاه: ستایش معبود (خدا) - بزرگمندی و

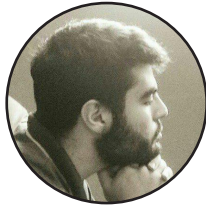
تعریف و تمجید

۵ مجموعه آوازی مستقل از دستگاه‌ها نبودند و بنا به شور

و حال آوازی خود از درون دستگاه‌ها نشئت می‌گیرند، که



صفحه آزاد



سینا غلامی مکانیک ۹۶

کمد!!

سلام!

در این شماره‌ی صفحه‌ی آزاد، قصد داریم درباره‌ی موضوعی که دغدغه‌ی اول ترمی دانشجویها بود بحث کنیم. امسال معاونت دانشجویی دانشکده در یک بازه‌ی هفت روزه از دهم مهرماه اقدام به ثبت نام، جهت اجاره‌ی کمد‌ها به دانشجویان کرد. ثبت نامی که با مشکلات و پیچ و خم‌هایی روبرو شد، از اطلاع رسانی‌ها تا هزینه‌ی اجاره و غیره... خمش تصمیم گرفت در این باره با تهیه‌ی فرمی مجازی، مستقیماً نظر دانشجویان را در این مورد بداند. در ادامه نظرات دوستان را با هم خواهیم خواند:

سوال دوم: از محل قرار گیری کمد ها رضایت دارید؟

- _ دیگه کجا میتونه باشه؟
- _ نمیدانم کجاست.
- _ کجاس اصن؟؟؟
- _ آری.

سوال سوم: پیشنهادی برای بهبود وضعیت کمد‌ها برای ما دارید؟

- _ بهتر بود به جای اینکه دانشگاه به کمد‌ها قفل بزنه بعد از تعلق گرفتن هر کمد به شخصی خودش کلید و قفل رو بخره.
- _ اولویت با بچه‌های استان البرز باشد که راه سخت‌تری دارند.
- _ زودتر تحویل بدید.
- _ هیچ دانشجویی دسترسی به کمد‌های بقیه نداشته باشه منظورم بعضی از اینان که...
- _ ممنونیم از دوستان که با مشارکت در بخش صفحه‌ی آزاد خمش به ما در امر بهبود و حل مشکلات دانشکده کمک می‌کنند.

سوال اول: از روند ثبت نام کمد‌ها راضی بودید؟ (نحوه نام نویسی، هزینه و...)

- _ تقریباً خوب و مناسب... فقط شفاف سازی باید صورت بگیره سر این که هزینه‌های جمع شده، کجا خرج میشه.
- _ مدت زمان ثبت نام کم بود. قبول دارم هزینه باید دریافت شه ولی این مقدار واقعا زیاده.
- _ هزینه بسیار کم است و اگر به عنوان سیاست‌گذار بودم، هزینه بیشتری (حداقل برای ودیعه) دریافت می‌کردم و در صورت نیاز به برخی سوبسید و تعرفه‌های تحفیف می‌دادم.



این دو مطلب را در کانال تلگرامی خمش دنبال کنید:



۱۶مهر، ساعت ۱۶، یک دانشکده با قدمت فراوان و صد و اندی دانشجو با انگیزه فراوان‌تر؛ حالا چه کم داریم؟ یک جشن معارفه‌ی هیجان‌انگیز و پرشور.

شکیبا احمدی مکانیک ۹۷ یادداشتی بر مراسم معارفه دانشکده مکانیک



صبح روز چهارشنبه ۲۵ مهر همراه یک گروه ۱۲-۱۰ نفره به بازدید از پارک فناوری پردیس رفتیم.

مهدی باقری مکانیک ۹۷ بازدید پارک علم و فناوری